بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم

ملاک تبعیت از آراء و سنن گذشتگان در فرهنگ قرآنی

مریم احمدی[1]

چکیده

خداوند متعال در برخی آیات قرآن تبعیت از گذشتگان را تائید و در برخی آیات دیگر این تبعیت را مذموم شمرده و نکوهش می کند. با توجه به اینکه تبعیت نقش مهمی در سعادت و شقاوت انسان دارد تحقیق حاضر با عنوان «ملاک تبعیت از آراء و سنن گذشتگان در فرهنگ قرآنی» در صدد است با بررسی آیات مربوطه و روایات ذیل آن و دسته‌بندی آیات از نظر ممدوح و مذموم بودن، ملاک و علت‌های این تبعیت‌ها را از منظر قرآن بیان کند تا بتوان با شناخت و فهم درست ملاک‌ها و معیارهای قرآنی و بکارگیری آنها، به زندگی مورد انتظار اسلام که مایه سعادت دنیوی و اخروی است نائل شد. این تحقیق به لحاظ هدف بنیادی و نظری است به لحاظ محتوا از روش توصیفی استفاده کرده و در مواردی به تحلیل پرداخته است و روش جمع‌آوری مطالب به روش کتابخانه‌ای بوده است. از دیدگاه آموزه‌های دینی دو حجت معیار شناخت حق و باطل و یافتن مسیر درست است. این دو حجت عقل و وحی (انبیاء و رسل و ائمه ع) می‌باشد. بعد از فحص در آیات مشخص شد در تبعیت از آراء و سنن گذشتگان نیز این دو ابزار در اختیار ما قرار دارد و در صورت انطباق تبیعت از گذشتگان با احکام عقل و وحی این تبعیت مورد تایید قران و در غیر این صورت مذموم و مورد نکوهش کلام الله می‌باشد.

واژگان کلیدی

ملاک، تبعیت، آراء و سنن، گذشتگان

---

۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه حضرت زینب کبری سلام الله علیها،

maryamahmadi9092@gmail.com

مقدمه

اکنون در بسیاری از آحاد جامعه، استناد به سنن و آراء گذشتگان فراوان به چشم می‌خورد. گویا هر سنتی به صرف قدیمی بودن یا تعلق داشتن به پیشینیان، معتبر بوده و مستغنی از ارزش‌گذاری است و تبعیت از آن فرض و ضرورت پیشینی داشته و عدم تبعیت قبیح شمرده می‌شود. به بیان دیگر تبعیت از آراء و سنن پیشینیان به قانون مقدس نانوشته‌ای تبدیل شده است و این آسیب و بیماری جدی اجتماعی، درمان و دارو نیاز دارد. از آنجا که طبق آیات کلام الله معتقدیم قرآن شفاست[1] از این رو باید درمان دردهایمان را در قرآن جستجو کنیم،[2] بدین منظور پژوهش قرآنی را به عنوان راه حل برگزیدیم. با بررسی در آیات قرآن با دو رویکرد در مورد تبعیت از گذشتگان روبرو می شویم. در برخی آیات این پیروی مورد تحسین و تمجید واقع شده[3] این موضوع تقبیح و مذمت شده است. پس پروتکل مقدس اشاره شده به هیچ وجه مورد تأیید قرآن نیست. با توجه به این نتیجه‌گیری مهم، وجود ملاک و شاخص برای ارزش‌گذاری آراء و سنن پیشینیان ضروری است.

بخش قابل توجهی از آراء و سنن مردم میراث گذشتگان است از این رو بررسی ملاک‌های ارزش‌گذاری آراء و سنن پیشینیان اهمیت به سزایی پیدا می‌کند.

به طور مثال در حوزه آراء و عقاید پیشینیان، در جامعه کنونی ما شعار «گفتار نیک، پندار نیک،

---

۱. خداوند در آیه ۲۲ سوره اسراء می‌فرماید: وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَاراً و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می‌کنیم، و ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید. همچنین در آیه ۷۷ سوره یونس می‌فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ ای مردم، به یقین، برای شما از جانب پروردگارتا اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و رهنمود و رحمتی برای گروندگان به خدا آمده است.

۲. فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَائِكُمْ وَ اسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَأْوَائِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النِّفَاقُ وَ الْغَيُّ وَ الضَّلَالُ. پس درمان خود را از قرآن بخواهید، و در سختی ها از قرآن یاری بطلبید، که در قرآن درمان بزرگ ترین بیماری ها یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی است. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶

۳. مانند آیه ۳۸ سوره یوسف: وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ و در بسیاری دیگر از آیات مانند آیه ۱۷۰ سوره بقره: وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

رفتار نیک» به عنوان دین آباء و اجدادی مورد توجه ویژه قرار گرفته و بهانه‌ای شده است برای جایگزین کردن آن با کلیه آموزه‌های اعتقادی و عملی دین اسلام. بدیهی است با این روند کم‌کم آموزه‌های دینی در جامعه مهجور خواهد شد. در حوزه سنن و آداب نیز آئین‌هایی وجود دارد که میراث گذشتگان است که افراط و انحراف در برخی از آنها جامعه را دچار خسارات مادی و معنوی زیادی کرده است. با توجه به موارد اشاره شده ضروری است دیدگاه قرآن در خصوص تبعیت از گذشتگان تبیین شده و برای آن شاخص و ملاک قرآنی ارائه شود.

در این صورت حداقل فایدهٔ متصور این است که جامعه متدین با بصیرت با این گونه مسائل روبرو خواهد شد. هدف اصلی از این پژوهش ارائه ملاک و شاخص قرآنی در ارزش‌گذاری تبعیت از پیشینیان که در پی آن اهدف جانبی چون موارد زیر تحقق می‌یابد:

الف- تعیین تبعیت‌های مذموم قرآنی

ب- تعیین علل تبعیت‌های مذموم قرآنی

ج- تعیین تبعیت‌های ممدوح قرآنی

د- تعیین علل تبعیت‌های ممدوح قرآنی

بدیهی است با تحقق این اهداف جامعه اسلامی در مواجهه با آراء و سنن گذشتگان با بصیرت دینی برخورد می‌کند. با بررسی کتب در خصوص این موضوع مطلب مستقلی دیده نشد. ذیل برخی آیات مفسرین به بررسی موضوع پرداخته‌اند و هیچ یک نگاه جامعی به این موضوع نداشته‌اند. به عنوان نمونه در حدیث جنود عقل و جهل امام کاظم علیه السلام به هشام برای مذمت افرادی که تعقل نمی‌کنند به آیه ۱۷۰ سوره بقره[۱] که در مورد تبعیت از گذشتگان است اشاره کرده‌اند.[۲]

در بین آثار معاصرین نیز حسین رکن الدینی در کتاب «علل انحطاط و سقوط جوامع از دیدگاه قرآن» در فصل «انحطاط به واسطه تقلید کورکورانه» بحث نسبتاً مبسوطی در این خصوص ارائه کرده است. البته نویسنده موضوع «تبعیت از گذشتگان» را از دیدگاه فرهنگی اجتماعی بررسی نموده و در واقع یکی از علل انحطاط و سقوط جوامع را تبعیت کورکورانه می‌داند:

اصل این مطلب که تقلید کورکورانه عامل انحطاط و سقوط انسان و جوامع است،

---

۱. وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

۲. الکافی، کلینی، ج۱، ص۱۴

مسئله‌ای عقلی و غیرقابل انکار است و نیازی به استدلال ندارد. به علاوه در آیه‌های متعددی، علّت پذیرفته نشدن دعوت پیامبران الهی از سوی امّت‌ها، تقلید کورکورانه و پیروی بی‌چون و چرای آنها از اسلافشان بیان شده است...

جالب است بدانیم همین کسانی که در دنیا، در مقابل دعوت پیامبران الهی مقاومت نشان داده و دلیل مخالفتشان را هم پیروی از پدران و بزرگان خود اظهار می‌کردند، در روز قیامت اعتراف می‌کنند که این ضلالت و گمراهی و انحطاطِ ما، نتیجه همان تقلید کورکورانه از گذشتگان‌مان است و در واقع، ثمره رجوع به جاهلی مثل خودشان است و آرزو می‌کنند: کاش به حرف پیامبر خدا که عالم بود گوش داده بودیم: «یَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِی النّارِ یَقُولُونَ یا لَیْتَنا أَطَعْنَا اللّهَ وَ أَطَعْنَا الرَّسُولاَ * وَ قالُوا رَبَّنا إِنّا أَطَعْنا سادَتَنا وَ کُبَراءَنا فَأَضَلُّونَا السَّبیلاَ»[1] روزی که چهره‌هایشان را در آتش زیر و رو می‌کنند، می‌گویند ای کاش ما خدا را فرمان می‌بردیم و پیامبر را اطاعت می‌کردیم و می‌گویند: «پروردگارا! ما رُؤسا و بزرگتران خویش را اطاعت کردیم و ما را از راه به در کردند»

در پایان‌نامه‌ها نیز هیچ موردی که به صورت اختصاصی به موضوع تبعیت از گذشتگان پرداخته باشد وجود نداشت. پایان‌نامه‌های زیر به صورت بسیار مختصر و در حد چند صفحه به موضوع مورد نظر اشاره کرده‌اند:

- «تحلیل و گونه‌شناسی تبعیت‌های مجاز و غیرمجاز در قرآن» فاطمه دانش‌یار، کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران، ماه و سال دفاع اسفند ۱۳۹۴
- «بررسی شبکه ارتباط موضوعی تبعیت در قرآن»، سمانه رعدآبادی، کارشناسی ارشد دانشگاه یزد - پردیس علوم انسانی و اجتماعی - دانشکده الهیات، سال دفاع ۱۳۹۶
- «تبعیت از منظر قرآن و حدیث»، سمیه طاهری، کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث، سال دفاع ۱۳۹۰

با بررسی مقالات در این خصوص مشخص شد هیچ مقاله‌ای به صورت اختصاصی به موضوع تبعیت از آراء و سنن پیشینیان نپرداخته است. صرفاً در برخی مقالات اشارات مختصری به این

---

۱. احزاب: ۶۶ و ۶۷

موضوع شده است؛ به عنوان نمونه پریچهر ساروی در چکیدهٔ مقاله «تبعیت در قرآن»[1] آورده است:

> «... این مقاله درصدد تحقیق و بررسی این مسأله مهم است. بدین منظور ابتدا آیات مربوط به تبعیت استخراج و دسته‌بندی شده است و در مرحله بعد، تحت عناوین خاص همچون«تبعیت ممدوح و مذموم در قرآن» و «راه شناسایی هر یک از انواع تبعیت از دیدگاه قرآن» و... مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه کاربردی این تحقیق آن است که کمال هر انسانی بر اساس تبعیت او معلوم و مشخص می‌شود و خداوند مراتب انسان‌ها را با توجه به درجه تبعیت آن‌ها در آن فرد یا چیزی که تبعیت می‌کنند تعیین کرده و بر اساس آن به ایشان کیفر و پاداش می‌دهد.»

همانطور که ملاحظه می‌کنید در مقاله فوق، علیرغم پرداختن به موضوع تبعیت در قرآن زاویه بررسی و پژوهش، نتایج تبعیت و کیفر و پاداش آن است.

در مجموع وجه تمایز این پژوهش نسبت به کلیه پژوهش‌های قبلی آن است که علاوه بر نگاه جزئی به موضوع تبعیت، آن هم صرفاً تبعیت از آراء و سنن گذشتگان، ملاک و شاخص قرآنی در تبعیت استخراج و ارائه می‌شود. به بیان دیگر در این تحقیق اولاً از همه انواع تبعیت، صرفاً تبعیت از گذشتگان مدنظر است و از طرف دیگر نتایج حاصله، به طور بسیار ملموس در زندگی پرکاربرد است.

روش تحقیق در این پژوهش به لحاظ جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و به لحاظ هدف، نظری و توسعه‌ای است و به لحاظ محتوا، توصیفی و تحلیلی است.

مفهوم‌شناسی یا معناشناسی مفردات موضوع

ملاک: ویژگی هایی که قران برای انتخار راه و مسیر و تبعیت قائل است.

تبعیت: ارتباط و وابستگی چیزی (تابع) به چیز دیگری (متبوع) به گونه‌ای که تابع شکل متبوع می‌شود، عین او فکر می‌کند و عین او عمل می‌کند. تبعیت در لغت به معنای پیروی کردن با کسی همراه شدن و امری را جستجو کردن یا پشت کسی راه رفتن و موافقت با فرمان است. تبعیت و مشتقات آن ۱۷۴ بار در قرآن کریم بکار رفته است و بیشتر بر دنباله‌روی معنوی مانند

---

۱. پریچهر ساروی، مجله معرفت، سال دی ۱۳۸۲، شماره ۷۳

در سوره صافات هم خداوند متعال به تبعیت مشرکان از گذشتگانشان اشاره کرده است: «إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ * فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ * وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ»[1]

در واقع قرآن تصریح می‌کند آنها پدران خود را گمراه یافتند، اما با این حال با سرعت و بی‌اختیار به دنبال آنها می‌دوند.

جالب اینکه در اینجا "یهرعون" به صورت "صیغه مجهول" از ماده" اهراع" که به معنی با سرعت دویدن است آمده، اشاره به اینکه چنان دل و دین بر تقلید نیاکان باخته‌اند که گویی آنها را به سرعت و بی‌اختیار به دنبالشان می‌دوانند گویی از خود اراده‌ای ندارند و این اشاره به نهایت تعصب و شیفتگی آنها به خرافات نیاکان است.[2]

یکی از تبعیت‌های مذموم از گذشتگان تقلید از روش آل فرعون است که در آیاتی از قرآن مجید بدان اشاره شده است.[3] ویژگی آل فرعون در این آیات تکذیب و تکفیر آیات الهی بیان شده است. به بیان دیگر آل فرعون با وجودی که آیات الله در دلالت روشن و آشکار بودند به تکفیر و تکذیب مبادرت می‌کردند و این صفت مذموم می‌تواند ملاکی برای تبعیت از آراء و سنن گذشتگان تلقی شود.

ملاک و شاخص قرآنی در تبعیت از آراء و سنن گذشتگان

ملاک‌های مجموعه آیات اشاره شده را می‌توان در جدولی به شرح زیر جمع‌بندی و خلاصه نمود:

ردی ف	نوع تبعیت	سوره: آیه	ملاک
۱	ممدوح	بقره: ۱۳۳	تبعیت از آباء و گذشتگان در اطاعت از رسل و پرستش خداوند یکتا
۲	ممدوح	یوسف: ۳۷ و ۳۸	تبعیت از گذشتگان در اطاعت از انبیاء و رسل الهی که به تایید خداوند از خطا و گناه مصون باشند.

۱. صافات: ۶۹ و ۷۰ و ۷۱؛ آنان پدرانشان را گمراه یافتند، و [با اینکه می‌دانستند گمراهند بدون اندیشه و تأمل] عجولانه از پی آنان می‌رفتند و به راستی پیش از اینان بیشتر پیشینیان گمراه شدند.

۲. تفسیر نمونه، مکارم، ج۱۹، ص: ۷۴

۳. آل عمران: ۱۰ و انفال: ۵۲ و انفال: ۵۴

ردیف	نوع تبعیت	سوره: آیه	ملاک
۳	مذموم	بقره: ۱۷۰	تبعیت از پدرانی (گذشتگان) که تعقل نکرده و هدایت نیافته‌اند
٤	مذموم	مائده: ۱۰۴	تبعیت از پدرانی (گذشتگانی) که چیزی نمی‌دانستند (علم و اگاهی نداشتند) و هدایت نیافته‌اند
٥	مذموم	انبیاء ۵۳ و ۵۴	تبعیت از پدرانی (گذشتگانی) که در گمراهی آشکار بودند (و به جای خداوند یکتا بت‌پرستی می‌کردند)
٦	مذموم	صافات: ۶۹ تا ۷۱	تبعیت بدو تأمل از پدرانی (گذشتگانی) که در گمراهی بودند
۷	مذموم	آل عمران: ۱۰ و انفال: ۵۲ و انفال: ۵۴	تبعیت از آل فرعون در تکذیب و تکفیر آیات الهی

همانطور که ملاحظه شد، با یک بررسی اولیه روشن می‌شود، تعداد آیات مربوط به تقبیح و مذمت تبعیت از آراء و سنن گذشتگان، نسبت به آیات تحسین و تمجید این نوع تبعیت، فارغ از تفاوت در موضوع، بیشتر است؛ این تفاوت در تعداد آیات نشان می‌دهد، شارع مقدس نسبت به پرهیز از این گونه تبعیت، تأکید بیشتری دارد و از طرف دیگر، معدود آیات تحسین و تمجید از چنین تبعیتی ضرورت شناخت ملاک‌ها و شاخص‌های ارزش‌گذاری به این امر را بیش از پیش روشن می‌سازد.

در آیات مربوط به تبعیت ممدوح، پیروی از انبیاء و رسل الهی که از خطا و اشتباه مصون می‌باشند مورد تایید قرار گرفته است. به بیان دیگر اگر متبوعین انبیاء و رسل باشند این تبعیت ممدوح است.

در آیات مربوط به تبعیت مذموم با چند ملاک و شاخص مواجهیم. در این آیات تبعیت از کسانی که تعقل نکرده یا علم ندارند یا هدایت نیافته‌اند و یا آیات الله را تکذیب و تکفیر کرده‌اند مورد نکوهش قرار گرفته است. به بیان دیگر ملاک تبعیت مذموم عمل نکردن متبوعین به حکم عقل (عقل‌ورزی نکردن) یا فاقد علم بودن آنان (عدم بصیرت) یا گمراهی آنان از مسیر هدایت (که قاعدتاً توسط حجج الهی معرفی و تبیین شده) و یا تکذیب و تکفیر آیات الله (عدم پذیرش دعوت

انبیاء و رسل) می‌باشد.

نقطه اشتراک ملاک‌های تبعیت مذموم و تبعیت ممدوح، پاسخ به دعوت انبیاء و رسل است. اگر گذشتگان به این ندا و دعوت انبیاء پاسخ مثبت داده و ایمان آورده باشند تبعیت از آنها در این مسیر ممدوح بوده و در غیر این صورت مورد نکوهش قرآن می‌باشد.

ملاک بعدی عقل‌ورزی است. تعقل به حکم عقل عمل کردن است. پس متبوعین چون به احکام احکام عقل عامل نبودند از نظر قرآن شایسته تبعیت نیستند. دیگر ملاک عدم آگاهی و فاقد علم بودن است که آن هم به عدم تعقل باز می‌گردد؛ قرآن کریم عالمان را کسانی معرفی می‌کند که تعقل می‌کنند.[1]

پس می‌توان کلیه ملاک‌های فوق را در دو معیار خلاصه نمود:

الف- تعقل: یعنی عامل بودن به حکم عقل. ب- وحی: یعنی اقرار و پاسخ مثبت به دعوت انبیاء و رسل. این دو ملاک در روایات به عنوان دو حجت ظاهر و باطن معرفی شده است. امام کاظم ع می‌فرماید: إنَّ لِلّهِ عَلَی النّاسِ حُجَّتَینِ: حُجَّةً ظاهِرَةً، و حُجَّةً باطِنَةً، فأمّا الظّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ و الأنبِیاءُ و الأئمَّةُ علیهم السلام، و أمّا الباطِنَةُ فَالعُقولُ.[2]

ای دو ملاک و حجت در تمام انتخاب‌های ما دخیل می‌باشند و خداوند متعال در روز قیامت به این دو حجت احتجاج خواهد کرد. در موضوع این مقاله نیز در نهایت به این دو حجت رسیدیم. اگر آراء و سنن گذشتگان را به این دو حجت عرضه کردیم و مورد تایید واقع شد تبعیت از آنان نیز مورد تایید خداوند می‌باشد.

---

۱. وَتِلْکَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنّاسِ وَمَا یَعْقِلُهَا إِلّا الْعَالِمُونَ (عنکبوت: ۴۳)

۲. الکافی، کلینی، ج۱، ص۱۶

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان گفت از آنجا که یکی از ویژگی‌های بشر در مسیریابی تبعیت از گذشتگان است و این تبعیت گاهی در هدایت و گاهی در ضلالت است خداوند متعال در قرآن که کتاب هدایت است[1] تبعیت‌های مورد تایید و نکوهش شده را معرفی کرده است. با بررسی‌های انجام شده در آیات مرتبط می‌توان دریافت که خداوند با تایید و نکوهش تبعیت‌ها در واقع ملاکی را در اختیار انسان‌ها برای پیروی قرار می‌دهد تا بتوانند این ملاک را شناخته و آن را در زندگی خود به کار بسته و در میسر رشد و سعادت گام بردارند. در این پژوهش با کشف و دسته‌بندی ملاک‌ها مشخص شد که عقل و وحی معیار پذیرش آراء و سنن گذشتگان می‌باشد. اگر آراء و سنن گذشتگان، عقاید و عملکردشان بر پایه تعقل و تبعیت از پیامبران شکل گرفته باشد پیروی از آنان مورد تایید قرآن می‌باشد.

---

۱. هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (اعراف:۲۰۳)

منابع

* قرآن مجید

* نهج البلاغه

۱. ابن‌شهرآشوب، محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، ۲ ج، قم - ایران: بیدار، بدون تاریخ

۲. برازش، علیرضا، جوانی، هابیل، فرهادی، زینب، بهشتی‌نژاد، رسول و خلاش، مصطفی، تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام. تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۴.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن, مرعشی، شهاب‌الدین و اعلمی، علاءالدین. إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات. ۱۴۲۵–۲۰۰۴.

٤. ساروی، پریچهر، مجله معرفت، سال دی ۱۳۸۲، شماره ۷۳

٥. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسالمی، چاپ هشتم، ۱۳۶۸ه ، ش

٦. طبرسی، فضل بن حسن، رسولی، هاشم، رسولی، هاشم، مسترحمی، هدایت‌الله، میرباقری، ابراهیم، صحت، علی، شریف رازی، محمد، ترجمه تفسیر مجمع البیان. تهران: فراهانی. بی‌تا

۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، مصحح: اعلمی، حسین تهران: مکتبة الصدر، ۱۳۷۳هـ .ش، ۱۴۱۵ هـ ق

۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ ق

۹. مکارم شیرازی، ناصر و آشتیانی، محمدرضا.. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیة. ۱۳۷۴ هـ ش

۱۰.مولف ناشناخته، تفسیر الإمام حسن العسکری (ع)، ۱ ج، کارخانه صناعت دستگاهی ملا عباسعلی، ۱۲۶۸